

ترس از جرم در فضای شهری؛ شناسایی مؤلفه‌های مکانی اثرگذار بر کنترل ترس و افزایش امنیت اجتماعی بر پایه چارچوب‌های نظری

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۴/۰۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۱۰/۲۸

محمد رضا پورمحمدی* - مهشید قربانیان**

چکیده

ترس و نگرانی از جرم و بزه‌دیدگی یکی از ترس‌هایی است که بسیاری از ساکنان شهرهای بزرگ امروزه به نوعی با آن درگیرند که کیفیت زندگی و رفتار اجتماعی آنان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. از آنجا که کمبود امنیت و ترس از قربانی شدن، استفاده از قلمرو فضای عمومی و خلق فضاهای شهری موفق را مورد تهدید قرار می‌دهد. در این پژوهش برآنیم تا با مطالعه توصیفی چارچوب‌های نظری ترس در فضاهای شهری، مؤلفه‌های محیطی زمینه‌ساز ترس در آن‌ها را استخراج و شاخص‌ها و سنجه‌های اثرگذار بر هر کدام را معرفی نماییم تا عوامل بستری مستعد ایجاد ترس در فضاهای شهری از دریچه هر کدام از نظریه‌ها آشکار شود. بدین منظور، با استفاده از پرسش‌نامه و روش آمار توصیفی و به کمک آزمون تخمین (در نمونه آماری ۵۰ نفری از کارشناسان و متخصصین شهرسازی و معماری) در نرم‌افزار SPSS 12، ضمن تقسیم‌بندی محله‌ها به دو دسته امن و ناامن، میزان اثرگذاری هر کدام از مؤلفه‌های مکانی - در سه دسته ساختاری، کارکردی و ادراکی - و شاخص‌ها و سنجه‌های آن‌ها، سنجیده شده است. نتایج، حاکی از اهمیت و تعمیم‌پذیری برخی از این چارچوب‌های نظری، در فضاهای شهری ایران است و از این‌رو هدایت راهکارهای کنترلی، پیش‌گیری و کاهش را در مسیر هریک از این چارچوب‌های نظری مسجل می‌سازد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، تنوع خرده‌فرهنگی بدون حدود می‌تواند اشتراکات و پیوند اجتماعی را خدشه‌دار سازد. نگرانی اجتماعی مبنی بر زوال روابط اجتماعی و افول شبکه‌های پیوند محلی در رده‌های پایین‌تر اهمیت قرار دارد. مدل بی‌نظمی چندان در فضاهای مورد بررسی اثرگذار نبوده، در حالی که فرضیه‌ی آسیب‌پذیری به عنوان یکی از عمده‌ترین و اصلی‌ترین نظریه‌های حاکم در فضاهای شهری ایران نمایان شده است. مطالعه نظریه کنترل اجتماعی نیاز به نظارت نامحسوس همسایگان و اثرات آن را تأیید نمود ولی در مقابل، عدم مقبولیت کنترل رسمی شاخص از جانب پلیس و نیروی انتظامی را نشان داد.

واژگان کلیدی: رویکرد بی‌سازمانی اجتماعی، فرضیه آسیب‌پذیری، نظریه کنترل اجتماعی، مؤلفه‌های مکانی.

* استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

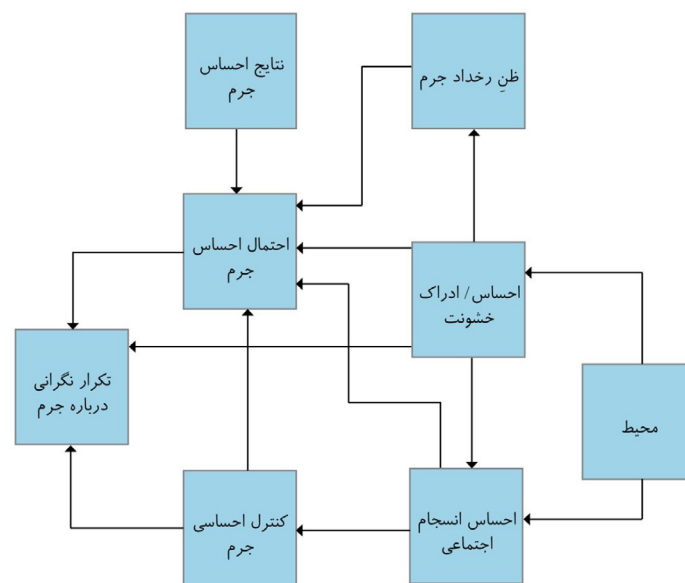
** استادیار طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

دیر^۱ و والش^۲ عقیده دارند (1989) که روابط اجتماعی می‌تواند در فضا شکل بگیرد و هم‌چنین توسط شکل فضا مورد تهدید قرار گیرد و یا فضا واسطه انجام و برقراری روابط اجتماعی شود (Carmona et al., 2003, p. 211). طراحان و برنامه‌ریزان شهری با شکل‌دهی به فضاهای شهری، بر چگونگی ظهور الگوهای عملکردی و روابط اجتماعی اثر می‌گذارند. اگرچه محیط تنها عامل و غالب‌ترین عامل اثرگذار بر فعل و انفعال انسانی نمی‌باشد، لیکن محیط با عرضه فرصت‌هایی که انسان‌ها را به انجام یک‌سری اعمال مشخص سوق می‌دهد یا آن‌ها را از اقدام به مجموعه‌ای از کارها باز می‌دارد، به روشنی بر رفتار انسانی و کنش‌های او تأثیر می‌نهد. رفتارهای انسانی می‌توانند در چارچوب هنجارهای اجتماعی و عرف جامعه قرار گیرند و یا با خروج از حدود پذیرفته‌شده هنجارها و یا قوانین، شکلی ناهنجار، آنومیک و خلاف قانون یافته و در زمره جرایم دسته‌بندی شوند.

تعداد زیاد جمعیت، به‌عنوان یکی از مشخصه‌های مناطق شهری (Wirth, 1983, pp. 1-8)، منجر به تماس‌های مکرر غریبه‌ها در میان اهالی شهر می‌شود. به نظر ورت، در شهرها تعداد بسیار زیادی از جمعیت در فاصله‌ی بسیار کمی از یکدیگر زندگی می‌کنند، اما بیش‌تر آن‌ها به درستی یکدیگر را نمی‌شناسند و تماس‌های آن‌ها زودگذر و "ناپیوسته" است (Tavasoli, 2004, p. 31). به بیانی، زندگی شهری امروز، پا را از حوزه ساخت‌وساز فراتر نهاده و ابعاد اجتماعی و روان‌شناختی را با چشم‌اندازهای بوم‌شناسانه پیوند زده است. در میان همه‌همه عوامل کلیدی اثرگذار بر کیفیت زندگی و برتری جوامع، امنیت به عنوان خواسته‌ای حیاتی برای تداوم مدنیت و کنترل ترس، از اهمیتی دوچندان برخوردار است. طبق شکل ۱، به حداقل رساندن احساس خطر برای کاهش ترس از جرم، زمانی که "امنیت" کاربر مدنظر باشد، در اولویت قرار دارد (Tseng, 2006, pp. 4-21).

شکل ۱: مدل ساختاری ابعاد ترس از جرم



(Tseng, 2006)

ترس از جرم نیرویی واقعی و قوی است که می‌تواند به زندگی مردم شکلی خاص بخشد (Colquhoun, 2004, p. 7) و پیامدهای ناخوشایندی برای افراد داشته باشد؛ ترس از جرم می‌تواند اجتماعات را تجزیه کند و توان مقابله‌ی اثربخش با فعالیت‌های مجرمانه را کاهش دهد. اشاعه ترس از جرم منجر به رفتارهایی می‌شود که برهم زنده کل اجتماع است (Ahmadi et al., 2009, p. 66). میته (1995) دامنه واکنش‌های روان‌شناختی و رفتاری شهرنشینان به جنایت را شامل این موارد می‌داند: «عدم اطمینان به دیگران، دوری جستن از مکان‌های خاص، اخذ تدابیر حفاظتی، تغییر فعالیت‌های روزمره و مشارکت در اعمال جمعی» (Madanipour, 2000, p. 119). کمبود امنیت، در معرض خطر بودن و ترس از قربانی شدن، استفاده از قلمرو فضای عمومی و خلق فضاهای شهری موفق را مورد تهدید قرار می‌دهد (Carmona et al., 2003, p. 238). در این پژوهش با مطالعه توصیفی چارچوب‌های نظری ترس در فضاهای شهری، مؤلفه‌های محیطی زمینه‌ساز ترس در فضاهای شهری استخراج، شاخص‌ها و سنجه‌های اثرگذار بر هر کدام معرفی شده است تا عوامل بستری مستعد ایجاد ترس در فضاهای شهری از دریچه هر کدام آشکار شود. بدین منظور، ضمن تقسیم‌بندی محله‌ها به دو دسته امن و ناامن، میزان اثرگذاری هر کدام از مؤلفه‌های مکانی - که در این تحقیق در سه دسته ساختاری، کارکردی و ادراکی تقسیم‌بندی

شده‌اند- و شاخص‌ها و سنجه‌های زیرمجموعه آن‌ها، سنجیده شده است. نتایج، حاکی از اهمیت و تعمیم‌پذیری برخی از این چارچوب‌های نظری در زمینه ترس، در فضاهای شهری ایران بوده و از این منظر، هدایت راهکارهای کنترلی، پیش‌گیری و کاهش را در مسیر هر یک از این چارچوب‌های نظری مسجل می‌سازد.

۱. ادبیات تحقیق

۱-۱- چارچوب‌های نظری ترس از جرم

با توجه به ویژگی مکان‌محوری سه رویکرد بی‌سازمانی اجتماعی، فرضیه آسیب‌پذیری و نظریه کنترل اجتماعی در مقایسه با رویکرد قربانی شدن مستقیم و غیرمستقیم، دیدگاه تأثیر رسانه و نیز راهبرد مدیریت خطر، به معرفی اجمالی این سه مورد خواهیم پرداخت.

۱-۱-۱- رویکرد بی‌سازمانی اجتماعی^۲

این رویکرد در قالب مدلی سه‌گانه به مسأله ترس از جرم می‌پردازد: مدل تنوع خرده‌فرهنگی، مدل بی‌نظمی اجتماعی، و مدل نگرانی اجتماعی (Serajzadeh et al., 2008, p. 226). بر اساس مدل تنوع خرده‌فرهنگی، در اجتماعاتی که در آن‌ها تنوع قومی و نژادی بسیاری وجود دارد و این اقوام هر یک بدون پیوند با کلیت اجتماع از آداب و رسوم خود پیروی می‌کنند، ترس از جرم بیش‌تر خواهد بود (Alikhah et al., 2006, p. 117). مدل بی‌نظمی، رابطه مثبتی بین تصور فرد از محیط اجتماعی و فیزیکی و ترس از جرم می‌بیند. بی‌نظمی، هر جنبه‌ای از محیط فیزیکی و اجتماعی است که برای هر ناظری نشان‌دهنده موارد زیر است: (۱) فقدان کنترل بر محیط (۲) فقدان توجه به ارزش‌ها و خواسته‌های دیگرانی است که در فضا سهیم هستند. نشانه‌های بی‌نظمی عبارتند از: نشانه‌های اجتماعی و نشانه‌های فیزیکی (Serajzadeh et al., 2008, pp. 226-232). در این دیدگاه استدلال بر آن است که برخی فضاهای شهری به گونه‌ای هستند که زمینه‌ی ترس بیش‌تری را فراهم می‌آورند (Alikhah et al., 2006, p. 116). مدل نگرانی اجتماعی، ترس از بزه‌دیدگی را ناشی از نگرانی درباره‌ی زوال اجتماعی می‌داند به نحوی که، ضعیف شدن پیوندهای اجتماعی محلی باعث برجسته شدن ترس از جرم می‌شود. پژوهشگران عموماً نگرانی اجتماعی را به عنوان یک پدیده مرتبط با بی‌نظمی و ترس مطرح می‌کنند. هنگامی که مردم شاخص‌های بی‌نظمی را می‌بینند، این امر آنان را به این باور می‌رساند که اجتماع رو به زوال است و این که جامعه آن‌طور که باید باشد نیست و این همان چیزی است که موجب ترس از بزه‌دیدگی می‌شود (Serajzadeh et al., 2008, p. 226).

۱-۱-۲- فرضیه آسیب‌پذیری^۴

در مقایسه با فرضیه قربانی شدن مستقیم که خطر عینی قربانی شدن را عامل تعیین‌کننده ترس از جرم در نظر می‌گیرد، فرضیه آسیب‌پذیری بر تلقی افراد از میزان آسیب‌پذیری تأکید دارد. به عبارت دیگر، آن‌هایی که در مقایسه با دیگران خود را آسیب‌پذیرتر تصور می‌کنند، احساس ناامنی بیش‌تری می‌کنند. اسکوگن و مکث فیلد^۵ (۱۹۸۰) دو مؤلفه متمایز برای آسیب‌پذیری شخصی از جرم ارائه داده‌اند (Rabani et al., 2008, p. 65).

۱. آسیب‌پذیری فیزیکی: به معنای بی‌دفاع بودن در برابر حملات^۶ عدم توانایی مقابله با حملات، و مواجه شدن با پیامدهای دهشتناک فیزیکی (و احتمالاً عاطفی) ناشی از حملات است.

۲. آسیب‌پذیری اجتماعی: این ایده را مطرح می‌کند که امکان دارد افراد به دلیل آن‌چه که هستند، بیش‌تر در معرض تهدید قربانی شدن بوده و به دلیل این موقعیت، پیامدهای اجتماعی و اقتصادی قربانی شدن بر دوش آن‌ها بیش‌تر از دیگران سنگینی می‌کند.

۱-۱-۳- نظریه کنترل اجتماعی (رسمی و غیررسمی)

از دیدگاه کنترل اجتماعی، ترس از جرم صرفاً واکنش عاطفی به تجربه قربانی شدن نیست، بلکه پیامد از بین رفتن کنترل اجتماعی است که ساکنان یک شهر آن را تلقی می‌کنند. ترس زمانی رخ می‌دهد که ساکنان به این نتیجه می‌رسند که مکانیسم‌های کنترل اجتماعی و ارزش‌ها و معیارهایی که سابق بر این، رفتارهای ساکنان محل را تعیین می‌کرد، دیگر تأثیری ندارند. براساس رویکرد کنترل اجتماعی، مکانیسم‌های بازدارنده ترس از جرم شامل تلقی همسایگان از ظرفیت‌های کنترل اجتماعی رسمی و غیررسمی است (Rabani et al., 2008, p. 68). استدلال این دیدگاه آن است که هرچه ارتباطات اجتماعی بین افراد یک اجتماع یا محله وسیع‌تر باشد و آنان بتوانند برای خود شبکه‌ای از روابط بسازند از این طریق احساس تعلق خاطر به اجتماع شکل خواهد گرفت و این چنین احساسی باعث کاهش ترس از جرایم در بین آنان خواهد شد (Alikhah et al., 2006, p. 114).

۲. شیوه و روش پژوهش

۲-۱- روش تحقیق

در یک تقسیم‌بندی کلی، این تحقیق ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی را مورد استفاده قرار می‌دهد. این تحقیق از آن جهت کمی است که به تبیین و توصیف رابطه بین متغیرهایی مشخص (چارچوب‌های نظری جامعه‌شناختی ترس و مؤلفه‌های مکانی) می‌پردازد و از آن جهت می‌تواند در زمره تحقیقات کیفی طبقه‌بندی شود که ضمن استخراج عوامل محیطی اثرگذار بر میزان ترس در فضاهای شهری، به مطالعه موردی این عوامل و تخمین میزان اثرگذاری آن‌ها می‌پردازد. هم‌چنین این پژوهش، تحقیقی توصیفی-همبستگی و در شاخه میدانی است. زیرا در گام اول، به توصیف سازه‌های مفهومی و نظری ترس در فضاهای شهری می‌پردازد و در گام دوم با شناسایی متغیرهای محیطی اثرگذار، همبستگی میان این سازه‌ها را با عوامل مکانی تبیین می‌نماید. در این راستا ابتدا مفهوم ترس مورد بررسی قرار گرفته و نظریه‌هایی که پایه چالش پژوهش حاضر است؛ معرفی می‌شوند. سپس با تدوین مؤلفه‌ها و تنظیم شاخص‌ها و سنجه‌های اثرگذار، پرسش‌نامه‌ای تهیه و نتایج آن در نرم‌افزار SPSS 12 بررسی می‌شود. در این تحقیق آمار توصیفی برای آزمون تخمین پرسش‌های پژوهش به کار گرفته شده است که در نهایت، ضمن شناسایی میزان روایی هر کدام از چارچوب‌های نظری در شهرهای ایرانی، در قالب مدلی، برهم‌کنش مؤلفه‌های مکانی و شاخص‌های آن‌ها بر هر یک از چارچوب‌های نظری تبیین خواهد شد.

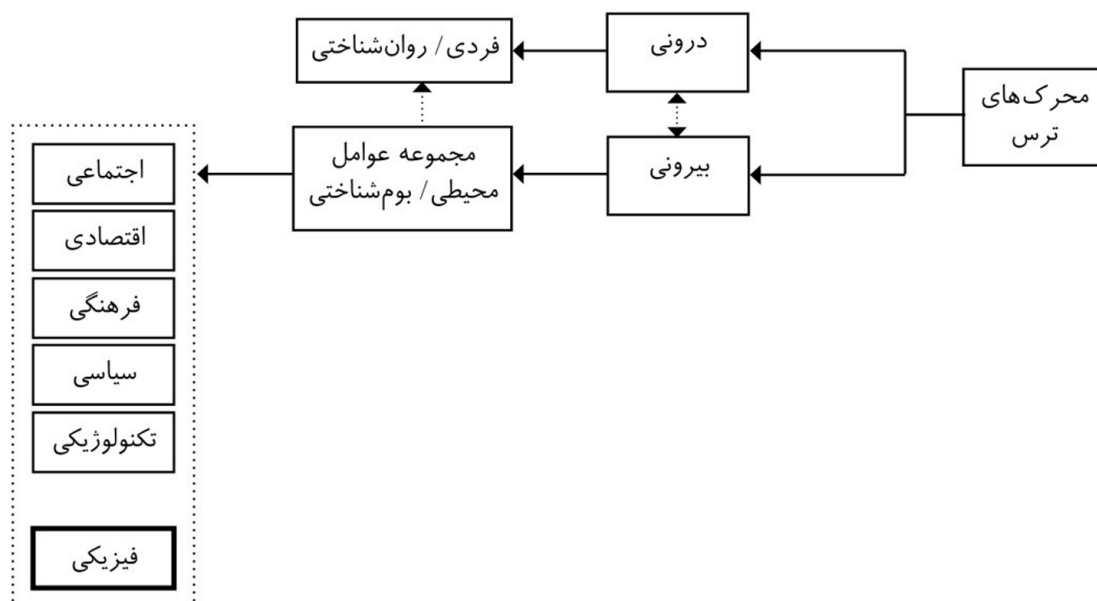
۲-۲- پرسش‌نامه

پرسش‌نامه مقاله حاضر با توجه به هدف بررسی مبانی نظری ترس در فضاهای شهری و با در نظر گرفتن شاخص‌ها و سنجه‌های هر کدام از سه مؤلفه ساختاری، کارکردی و ادراکی، جهت سنجش احساس امنیت و ترس، و عوامل محرک آن در فضاهای شهری به صورت بسته، تدوین شد. در تنظیم سؤالات این پرسش‌نامه، هر کدام از سنجه‌های معرفی شده در بخش بعدی به صورت پرسش مورد آزمون قرار گرفت. سپس نمونه‌ای ۵۰ نفری از میان جامعه فارغ‌التحصیلان رشته‌های شهرسازی و نیز معماری - با سابقه ۳ سال کاری از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱ از میان دو دانشگاه ارومیه و هنر اسلامی تبریز - به روش تصادفی انتخاب شد. بر اساس پاسخ‌ها سطح امنیت محله هر پاسخ‌گو برآورد و عوامل مؤثر بر آن نیز بر همین اساس استخراج شد. در نهایت تحلیل پاسخ‌ها در دو دسته؛ محله‌های امن و ناامن در جهت ارزیابی میزان اثرگذاری هر کدام از چارچوب‌های نظری تبیین شده و مؤلفه‌های مکان‌محور آن‌ها انجام شد.

۳. یافته‌ها

می‌توان محرک‌های ترس را در دو دسته کلی محرک‌های درونی و محرک‌های بیرونی تقسیم‌بندی نمود (Farid Tehrani, 2011, p. 11). شکل ۲ محرک‌های ترس و مجموعه عوامل اثرگذار بر آن‌ها را نشان می‌دهد.

شکل ۲: محرک‌های ترس



برای بررسی عوامل تولیدکننده ترس و پیشنهاد راهکارهای عملی جهت پیش‌گیری از وقوع جرم، می‌باید نخست مؤلفه‌های ایجاد جرم را شناسایی نمود. بر طبق مطالعات جرم‌شناسی محیطی، جرم از گردهم آمدن چهار عامل در کنار یکدیگر به وجود می‌آید. این عناصر چهارگانه عبارتند از: مجرم، بزه‌دیده، مکان مناسب، جرم. سه بعد جرم که مبتنی بر عوامل اجتماعی است، بزه‌دیده با ابعاد روان‌شناسانه و جرم به‌سبب ماهیت محدودناپذیرش در یک تعریف جامع در پژوهش حاضر نمی‌گنجد. مؤلفه چهارم، مکان است که به‌واسطه تمرکز اصلی مقاله حاضر بر شناسایی عوامل موقعیتی و مکانی ترس از جرایم، نقطه عطف پژوهش محسوب می‌شود. در این میان، یکی از زیرمجموعه‌های اصلی محرک‌های بیرونی ترس که هسته اصلی مقاله حاضر نیز است، محرک‌های فیزیکی هستند که ماهیت مکانی و موقعیتی دارند. در پژوهش حاضر، این محرک را به‌طور عمده، با سه مؤلفه مکانی ۱. ساختاری، ۲. کارکردی و ۳. ادراکی در ارتباط مستقیم قرار داده و برای شناسایی آن، از این سه دسته بهره‌گرفته شده است. چنین طبقه‌بندی، نشأت‌گرفته از ماهیت محیط‌های شهری است. به بیانی از نظر نگارندگان، می‌توان عناصر فضاهای شهری را در سه بعد ساختار، کارکرد و ادراک آن مورد کنکاش قرار داد و مشخصه‌های مکان‌های شهری را در چارچوب این سه مؤلفه خلاصه نمود. از سوی دیگر، مؤلفه‌های موردنظر به بیان کلی بعدی از ابعاد یک فضای شهری می‌پردازند و به‌منظور تسهیل ادراک هر بعد، لازم است هر کدام از آن‌ها در قالب مجموعه‌ای از شاخص‌ها تشریح شوند. این شاخص‌ها جزئیات ملموس‌تر مؤلفه‌ها هستند که به تبیین کیفی آن‌ها می‌پردازند. در نهایت و در راستای تبیین کالبدی- محیطی شاخص‌ها، سنجه‌های کیفیت‌بخش آن‌ها ارائه می‌شود. از این‌رو، در ادامه مقاله، شاخص‌های توصیف‌کننده این ساختار سه‌بعدی معرفی و سنجه‌های محیطی هر یک برای تخمین میزان اثرگذاری بر ترس و امنیت هر مؤلفه (جدول ۱) در استدلال‌های پاسخ‌گران تبیین می‌شود.

جدول ۱: ساختار سه‌بعدی عوامل مکانی و جزئیات آن‌ها

مؤلفه مکانی	شاخص‌ها	سنجه‌ها
۱- ساختاری	<ul style="list-style-type: none"> - بی‌نظمی‌های فیزیکی - عدم تعریف‌پذیری فضا - فرسودگی فیزیکی بافت - وندالیسم و خراب‌کاری - کیفیت و ساختار فضایی 	<ul style="list-style-type: none"> - اغتشاش بصری - محصوریت نامطلوب - گوشه‌های پنهان - فضاهای رها و گم‌شده - جداره‌های بسته‌ی طولانی - اندازه بزرگ فضا - تداخل مرز قلمرو عمومی و خصوصی - ساختمان‌های نیمه‌کاره - ابنیه تخریبی / واجد ارزش رهاشده - دیوار نوشته‌ها و غیره - آلودگی محیطی (زباله، زایدات ساختمانی و غیره) - شریان‌های عبوری بزرگ‌مقیاس - بن‌بست‌های زیاد و طولانی - بافت پیچ‌درپیچ - پیاده‌روهای محصور
۲- کارکردی	<ul style="list-style-type: none"> - الگوی کاربری زمین و کیفیت و کمیت فعالیت‌ها - توزیع عادلانه‌ی خدمات - نوع مسکن 	<ul style="list-style-type: none"> - نوع کاربری - وسعت و اندازه کاربری - تراز کارکردی (فراشهری، شهری، درون‌بافتی) - محل استقرار کاربری - مسکن چندخانواری - مسکن تک‌خانواری - مسکن خصوصی - مسکن استیجاری - مسکن ناسالم

۳- ادراکی	- بی‌نظمی اجتماعی - مناسبات و روابط اجتماعی - ارزیابی ذهنی از کیفیت محیط زندگی - تعلق خاطر - هویت‌مداری - عوامل جمعیت‌شناختی - عوامل روان‌شناختی - رسانه - دولت	- کنترل رسمی (پلیس و ادارات) - کنترل غیررسمی (نظارت همسایگان) - پیوند محله‌ای از طریق شبکه‌های محله‌ای - بی‌اعتمادی همسایگی - مشارکت در امور فیزیکی و محیطی محله - نقش فضا/ محله - توجه به ارزش‌ها - خوانایی - ناهمگونی جمعیت و تنوع خرده‌فرهنگی - پایگاه اجتماعی - تراکم جمعیت - گروه‌های آسیب‌پذیر - آموزش‌های رسانه‌ای - تعداد زیاد ابزارهای امنیتی مانند دوربین یا پایگاه‌های انتظامی
-----------	---	--

۳-۱- آزمون رویکرد بی‌سازمانی اجتماعی

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، برای بررسی میزان اثرگذاری هر کدام از سنجه‌های مربوط به هر چارچوب نظری، ابتدا، سطح امنیت محله هر پاسخ‌گو با توجه به داده‌های پرسش‌نامه به دست آمد و از این رو در ادامه این مقاله، یافته‌ها در دو دسته محله امن و ناامن با یکدیگر مقایسه خواهند شد.

۳-۱-۱- مدل نگرانی اجتماعی

میزان نظارت نامحسوس همسایگان در محله‌های امن ۵۴/۵ درصد است. در تقابل با آن ۵۸/۸ درصد محله‌های ناامن فاقد نظارت طبیعی هستند. نکته قابل توجه در ارزیابی روابط و مناسبات اجتماعی در میزان امنیت محله‌ها و ترس از فضاهای شهری، فقدان شبکه‌های پیوند محلی در محله‌های شهری کنونی است. هرچند این عامل در محله‌های امن چندان اثرگذار نبوده؛ لیکن تأثیر نبود چنین پیوندهایی در محله‌های ناامن کاملاً به چشم می‌خورد و ۶۴/۷ درصد از این فضاها دچار چنین فقدان هستند. چنانچه این سنجه را در تعامل با امکان اعتماد کردن به همسایگان ارزیابی نماییم، نتیجه، دلالت بر عدم اعتماد ۸۶/۴ درصد در محله‌های امن و ۹۴/۱ درصد در محله‌های ناامن شهری به همسایگان است (جدول ۲). حال آن‌که وجود شبکه‌های پیوند محله‌ای ضمن کاهش ترس و ارتقاء امنیت در فضاهای ناامن می‌تواند مشارکت اهالی را از میزان پایین ۴۷/۸ درصد افزایش دهد، امکان کنترل بر فضاها را ارتقاء بخشد، ترس را بکاهد و متعاقباً احساس زوال اجتماعی، امنیت فضاهای شهری را متأثر نسازد.

جدول ۲: اعتماد به همسایگان در فضاهای امن و ناامن

اعتماد به همسایگان		امن / ناامن بودن محیط
عدم اعتماد	اعتماد	
۸۶/۴٪	۱۳/۶٪	امن
۹۴/۱٪	۵/۹٪	ناامن

۳-۱-۲- مدل تنوع خرده‌فرهنگی

بررسی ترکیب جمعیتی به‌عنوان مهم‌ترین سنجه اثرگذار در مدل تنوع خرده‌فرهنگی از رویکرد بی‌سازمانی اجتماعی، نتایجی در تأیید این مدل به‌دست می‌دهد. مقایسه این سنجه بین محله‌های امن و ناامن بیان‌گر نرخ ۴/۵ درصد اختلاط در قومیت و نیز در پایگاه‌های اجتماعی در محله‌های امن، در برابر ۳۵/۳ درصد این‌گونه اختلاط در محله‌های ناامن است. هرچند تأثیر منفی این نوع اختلاط در قومیت‌ها و پایگاه‌های اجتماعی، لزوماً به مفهوم نفی خلق ترکیب‌های جمعیتی مختلط نیست، بلکه نشان‌گر آن است که ترکیب تمام انواع جمعیت‌ها با پیچیدگی‌های ماهوی اجتماعی آن‌ها در یک محدوده حتماً به نتیجه مثبت ختم نخواهد شد. به بیانی، ترکیب جمعیتی مشتمل بر تعدادی از قومیت‌ها و نیز تعدادی از پایگاه‌های اجتماعی معین از میان خیل فراوان قومیت‌ها و پایگاه‌های اجتماعی، در پویایی حیات مدنی می‌تواند مثرتر واقع شود. نتایج یافته‌های آماری نیز این واقعیت را تأیید می‌نمایند به نحوی که در دو گروه از محله‌های امن دو نوع مختلط

جمعیتی وجود دارد؛ ۲۲/۷ درصد ترکیب پایگاه‌های اجتماعی یکسان و با قومیت‌های متنوع، و ۴۰/۹ درصد ترکیب گروه‌ها با پایگاه‌های اجتماعی متنوع و قومیت‌های واحد. این موضوع در محله‌های ناامن نیز صادق است (جدول ۳).

جدول ۳: اثر ترکیب جمعیتی در فضاهای امن و ناامن

امن / ناامن بودن محیط		ترکیب جمعیتی
ناامن	امن	
۵/۹٪	۳۱/۸٪	یک‌دست و از یک قشر اجتماعی (پایگاه اجتماعی) و قومیتی
۲۹/۴٪	۰/۰۲۲٪	از یک قشر اجتماعی (پایگاه اجتماعی) ولی با تنوع قومیتی
۲۹/۴٪	۴۰/۹٪	از یک قومیت ولی از قشرهای اجتماعی (پایگاه اجتماعی) متنوع
۳۵/۳٪	۴/۵٪	تنوع قومیتی و تنوع در اقشار اجتماعی (پایگاه‌های اجتماعی گوناگون)

در این میان، ترکیب سنی جمعیت چندان اثرگذار نبوده است و در مجموع هر دو گروه محیط‌های امن و ناامن از ترکیب متعادل جمعیتی شامل پیر، جوان و کودک برخوردار بوده‌اند. حضور غریبه‌ها در محله نیز معیاری برای ارزیابی امنیت و ترس در فضاها در اختیار محققان قرار می‌دهد. نتایج پژوهش حاضر، دلالت بر حضور تعداد بیش‌تری از افراد غریبه در مرکز اصلی محله و میدانچه محلی محله‌های ناامن دارد. این میزان برابر ۲۹/۴ درصد است که نرخ آن در محله‌های امن برابر با ۱۳/۶ درصد است. هم‌چنین حضور غریبه‌ها در محورهای اصلی محله‌های ناامن نسبت به امن، بیش‌تر و معادل ۴۷/۱ درصد در برابر ۳۹/۱ درصد است. نکته قابل توجه در این میان، ثبت بیش‌ترین حضور غریبه‌ها در محورهای پیرامونی (لبه‌های) محله‌های امن (۳۶/۴ درصد) نسبت به بافت‌های داخلی آن است. حال آن‌که، در محله‌های ناامن به دلیل ورود غریبه‌ها به بافت‌های داخلی محله‌ها، شدت حضور آن‌ها در لبه‌ها کم‌رنگ‌تر شده و به ۱۷/۶ درصد تنزل پیدا کرده است (جدول ۴). لذا می‌توان استدلال کرد که تغییر ترکیب جمعیتی ساکنان محله‌ها - حتی کوتاه‌مدت و موقت - به واسطه حضور غریبه‌ها در داخل بافت، سطح احساس امنیت آن‌ها را تحت‌الشعاع قرار داده و بر ناامنی و ترس در فضاهای شهری می‌افزاید. هم‌زمان با یافته‌های آماری، پاسخ‌گرهای پژوهش نیز عامل حضور غریبه‌ها در داخل بافت را به‌عنوان یکی از عوامل ناامنی محله‌های خود ذکر نموده‌اند.

جدول ۴: اثر حضور افراد غریبه بر ترس در فضاهای امن و ناامن

امن / ناامن بودن محیط		محل حضور افراد غریبه در محله
ناامن	امن	
۲۹/۴٪	۱۳/۶٪	در مرکز محله که کاربری‌ها و خدمات در آن متمرکز شده‌اند
۴۷/۱٪	۴۰/۹٪	محورهای اصلی محله
۱۷/۶٪	۳۶/۴٪	محورهای پیرامونی محله
۵/۹٪	۹/۱٪	تمام محله

۳-۱-۳- مدل بی‌نظمی

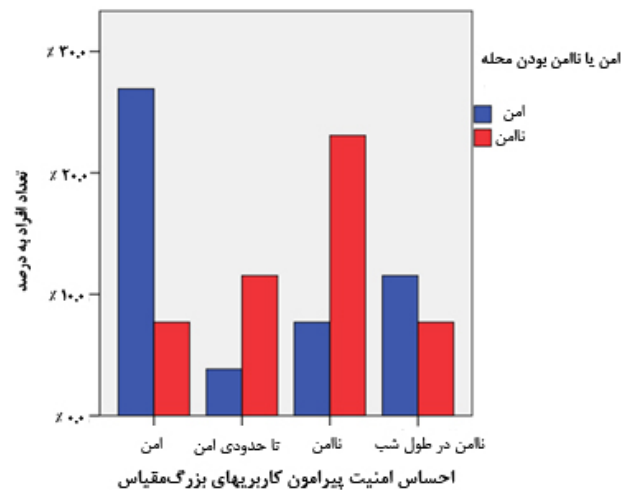
یافته‌های آماری پژوهش حاضر بر نکته‌ای شایان توجه دلالت دارد. اغتشاش فیزیکی در فضاهای شهری ایران، چه امن و چه ناامن، حاکم است و تعمیم آن تنها به بافت‌های ناامن، منطقی به‌نظر نمی‌رسد. ۹۵/۷ درصد از محله‌های امن و ۱۰۰ درصد محله‌های ناامن از اغتشاش فیزیکی (شامل اغتشاش بصری، مقیاس غیرانسانی فضا، گوشه‌های پنهان و غیره) رنج می‌برند (نمودار ۱).

نمودار ۱: میزان اغتشاش بصری در فضاهای امن



نتایج سنجش سطح امن بودن کاربری‌های بزرگ‌مقیاس در محله‌های امن و ناامن نیز جالب توجه است. در محله‌های امن تعداد کاربری‌های بزرگ‌مقیاس که پیرامون خود ترس از فضا را القا می‌نمایند، پایین و برابر نرخ ۸/۷ درصد است. این رقم در محله‌های ناامن، بالا و معادل ۳۵/۳ درصد است (نمودار ۲). در این میان، توزیع کاربری‌های فرامحله‌ای در محیط‌های ناامن نیز گسترده و برابر ۸۲/۴ درصد است. در حالی که کاربری‌های صرفاً محلی نرخ معادل ۲۳/۵ درصد دارند. چنین یافته‌ای لزوم توجه به نوع کاربری‌های مستقر در بافت‌های محله‌ای را روشن می‌سازد.

نمودار ۲: میزان احساس امنیت و ترس پیرامون کاربری‌های بزرگ‌مقیاس در فضاهای ناامن



ارزیابی سطح رضایت از کیفیت ذهنی محیط زندگی نیز از نتایج مهمی حکایت دارند. در مجموع در دو گروه محله‌های امن و ناامن، غالب ساختمان‌های بالای سه طبقه، فاقد هیأت مدیره برای ساختمان خود هستند. به نظر می‌رسد تغییر فرهنگ سکونتی مردم و افت شاخص کیفی زندگی، توأمان، بسترساز عدم توجه به این سنجش مهم شده است. معیار نه‌چندان قابل قبول ۴۷/۸ درصد مشارکت در امور محله‌های امن نیز بیانگر عدم تعلق خاطر به محله می‌باشد که زمینه وقوع جرم را تسهیل می‌نماید. ارزیابی ادراک ذهنی مردم از سطح خوانایی محله‌های خود نیز دال بر نقص در این سنجش کیفی در محیط‌های ناامن می‌باشد (جدول ۵).

جدول ۵: رابطه خوانایی محیط و سطح احساس امنیت

امن / ناامن بودن محیط		احساس امنیت در محیط
ناخوانا	خوانا	
۱۶٪	۸۴٪	امن
۵۰٪	۵۰٪	ناامن
۱۶/۷٪	۸۳/۳٪	باور عمومی بر این است که محیط امنی است؛ ولی شما احساس امنیت کامل نمی‌کنید.

۲-۳- فرضیه آسیب پذیری

یافته‌های آماری حاکی از آن است که ۹۵/۱ درصد از پرسش‌شوندگان خود را آسیب‌پذیر می‌دانند. از این میان، ۶۸/۳ درصد خود را در برابر عواملی نظیر فضاهای خالی، ابنیه تخریبی، نوع محیط مسکونی و غیره آسیب‌پذیر فیزیکی و ۷۳/۲ درصد خود را با توجه به عوامل یا پایگاه اجتماعی، آسیب‌پذیر اجتماعی می‌دانند (جدول ۶). نکته حائز اهمیت اشاره ۵۳/۱ درصد از پاسخ‌گوهای زن به عامل جنسیت خود به‌عنوان دلیل آسیب‌پذیر بودن‌شان است. این در حالی است که تنها ۲۲/۲ درصد از مردان عامل جنسیت را در زمره دلایل اجتماعی آسیب‌پذیر بودن خود عنوان کرده‌اند (جدول ۷).

جدول ۶: میزان آسیب‌پذیر بودن افراد

آسیب‌پذیری	قبول آسیب‌پذیر بودن	رد آسیب‌پذیر بودن
نرخ آسیب‌پذیری	۹۵/۱٪	۴/۹٪
نرخ آسیب‌پذیری فیزیکی	۶۸/۳٪	۳۱/۷٪
نرخ آسیب‌پذیری اجتماعی	۷۳/۲٪	۲۶/۸٪

جدول ۷: رابطه جنسیت و آسیب‌پذیری اجتماعی

جنسیت	مثبت	منفی
مردان	۲۲/۲٪	۷۷/۸٪
زنان	۵۳/۱٪	۴۶/۹٪

نکته دیگر، اهمیت وجود پاتوق‌ها در محله‌ها و به خصوص ارزیابی میزان احساس امنیت در پیرامون آن‌ها است که در پژوهش حاضر از میان ۷ نوع پاتوق تعریف شده (پاتوق خیابانی پسران، پاتوق پارک پسران، پاتوق خیابانی سالمندان، پاتوق پارک سالمندان، پاتوق بانوان، قهوه‌خانه، باشگاه ورزشی پسران) برای پاسخ‌گورها، ۴۶/۳ درصد پاتوق‌های خیابانی پسران را به‌عنوان ناامن‌ترین پاتوق‌ها انتخاب نموده‌اند. البته توجه به مقوله جنسیت نیز در این شناسایی، بیان‌گر این نکته است که در مقابل ۵۰ درصد زنان، تنها ۳۳/۳ درصد از مردان این پاتوق‌ها را ناامن دانسته‌اند (جدول ۸).

جدول ۸: پاتوق‌های ناامن و نرخ ناامنی آن‌ها در رابطه با جنسیت

انواع پاتوق‌های ناامن	میزان اشاره به ناامنی	نرخ ناامنی از نگاه مردان	نرخ ناامنی از نگاه مردان
پاتوق‌های خیابانی پسران جوان	۴۶/۳٪	۳۳/۳٪	۳۳/۳٪

بررسی امنیت در بافت‌های فیزیکی در طول روز و در طول شب نیز حاکی از درجه بالای احساس امنیت در مدت روز در میان تمام پرسش‌شوندگان فارغ از جنسیت است. حال آن‌که ارزیابی سطح امنیت همان فضاها و میزان ترس از آن‌ها به هنگام شب، نشان‌دهنده احساس ناامنی در میان ۶۲/۵ درصد از زنان است. این رقم تفاوت چشم‌گیری در میان پاسخ‌گوهای مرد ندارد (جدول ۹). بنابراین می‌توان استنتاج نمود که در شرایط یکسان فضاها، عوامل فیزیکی مؤلفه‌های ساختاری - طبق اشاره پاسخ‌گوها - مانند سطح روشنایی معابر، ابنیه فرسوده و غیره، هم‌چنین سنجه‌های مؤلفه‌های کارکردی نظیر وجود فضاهای گم و رهانشده یا زمین‌های محصور خالی و ساخته‌نشده، بر میزان ترس از آن فضا می‌افزاید و سبب دوری از آن در طول شب می‌شود. در مجموع تأثیر مؤلفه‌های ساختاری و کارکردی در شاخه‌ی فیزیکی آسیب‌پذیری و مؤلفه‌های ادراکی در شاخه اجتماعی آسیب‌پذیری تأیید می‌شود.

جدول ۹: امنیت در طول شبانه‌روز و رابطه آن با جنسیت

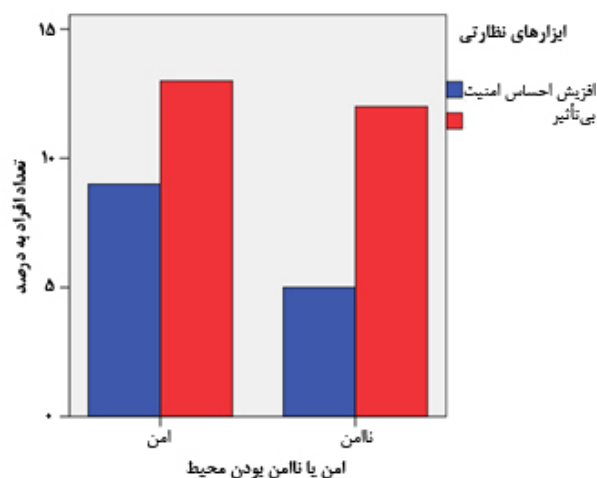
جنسیت	روز		شب	
	احساس امنیت	احساس ناامنی و ترس	احساس امنیت	احساس ناامنی و ترس
زن	۹۳/۸٪	۶/۳٪	۳۴/۴٪	۶۲/۵٪
مرد	۱۰۰٪	۰۰/۰۰	۴۴/۴٪	۵۵/۶٪

۳-۳- نظریه کنترل اجتماعی (رسمی و غیررسمی)

۳-۳-۱- کنترل رسمی

جهت مطالعه کنترل رسمی در محله‌ها و فضاهای شهری بر دو سنجه تأکید اساسی شده است: ابزارهای نظارتی مانند دوربین‌های مداربسته و حضور پلیس و نیروی انتظامی. به کارگیری ابزارهای امنیتی در مجموع در هر دو گروه محله‌های امن و ناامن بی‌تأثیر ارزیابی شده است. ۵۹/۱ درصد از اهالی محله‌های امن و ۷۰/۶ درصد از ساکنان محله‌های ناامن بر این یافته صحه گذارده‌اند (نمودار ۳). به نظر می‌رسد به سبب ناشی شدن بیش‌ترین میزان ترس در فضاهای محله‌های ناامن از مؤلفه‌های ساختاری و کارکردی در قیاس با مؤلفه‌های ادراکی، دلیل بر چنین پاسخی از جانب پاسخ‌گوها باشد و ارتقاء کیفیت محیط و افزایش سطح مدیریت شهری در حوزه این دو مؤلفه می‌تواند بر کاهش ترس در این فضاها یاری رساند.

نمودار ۳: تأثیر ابزارهای نظارتی بر سطح احساس امنیت در فضاهای امن و ناامن



هم‌چنین در محله‌های ناامن تا حدود ۷۶/۵ درصد، حضور پلیس را بی‌اثر قلمداد نموده‌اند. این در حالی است که تنها در ۴۷/۱ درصد از محله‌های ناامن کیوسک و باجه نیروی انتظامی مستقر است. ۷۸/۳ درصد محله‌های امن نیز فاقد باجه نیروی انتظامی هستند. از طرفی، پاسخ‌گوها حضور مستمر نیروی انتظامی در بافت را یکی از مهم‌ترین دلایل ترس خود از فضا دانسته‌اند. به نظر می‌آید، کنترل رسمی به شکل حاد و برجسته در محله‌های ایرانی چندان پذیرفته شده نیست. در مقابل می‌توان کنترل نیمه‌رسمی ناشی از حضور کارمندان و شاغلان مؤسسه‌ها و کاربری‌های اداری- خدماتی مستقر در بافت را در اولویت قرار داد.

۳-۳-۲- کنترل غیررسمی

نتایج حاصل از بررسی نظارت نامحسوس همسایگان در بخش‌های قبلی تشریح شد. علاوه بر آن، در ۵۸/۸ درصد از محله‌های امنی که اهالی آن به افرادی که در معرض جرم و قربانی شدن قرار می‌گیرند، یاری می‌رسانند، نظارت طبیعی وجود دارد و در ۶۰ درصد این نوع محله‌ها که مساعدت به افراد بزه‌دیده وجود ندارد، نظارت طبیعی نیز حاکم نیست. هم‌چنین در قیاس با محله‌های ناامن، شبکه‌های پیوند محله‌ای در محله‌های ناامن ضعیف‌تر از محله‌های امن است.

۴. نتیجه‌گیری

ترس و احساس آرامش بیش‌تر با ادراکات ذهنی از کیفیت زندگی محیط در رابطه است تا این‌که با اصل جرم در رابطه باشد. بر این اساس، کاهش جرم ممکن است ترس را کاهش ندهد، در مقابل کاستن موقعیت‌های نابه‌سامان ادراک شده و بهبود کیفیت زندگی در محله می‌تواند در کاهش ترس ساکنان تأثیر بیش‌تری داشته باشد. نتیجه پژوهش حاکی از ارتباط یک یا چند مؤلفه از مؤلفه‌های سه‌گانه با هر یک از نظریه‌های موجود در زمینه ترس در فضاهای شهری است. براساس مطالبی که در بخش یافته‌ها ارائه شد، برای تشریح کاربردی چارچوب‌های نظری ترس از جرم در فضاهای شهری، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی مکان‌محور، تبیین و نتایج حاصل از پاسخ آزمودنی‌ها به پرسش‌های شکل‌گرفته از سنجه‌ها، مورد تحلیل آماری قرار گرفتند. یافته‌ها حاکی از اثرگذاری هر کدام از نظریه‌ها در چارچوب یک یا چند مؤلفه است که میزان آن در قالب سنجه‌های محیطی پژوهش از طریق پرسش‌نامه استخراج و ارائه شد. نتایج این ارزیابی در جدول ۱۰ به صورت

تفکیک عوامل مکانی اثرگذار (مؤلفه‌ها و شاخص‌ها) بر هر رویکرد نظری خلاصه شده است. در این جدول مؤلفه‌های مکانی و شاخص‌های محیطی که می‌توانند به عنوان ابزاری، دستورالعمل سیاست‌گذاری و راهنمای محققان و دست‌اندرکاران امور شهری در زمینه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در چارچوب ادبیات نظری ارائه شده باشند، عرضه می‌شود. همان‌طور که در جدول ۱۰ نشان داده شده هر کدام از نظریه‌ها پیرامون ترس در فضاهای شهری به عوامل ملموس‌تر که ماهیت مکانی دارند تقسیم و امکان اتخاذ سیاست‌های مکان‌محور را فراهم نموده است. به عبارتی، مشخص شده که در جهت کنترل ترس از دریاچه هر رویکرد نظری، توجه به چه شاخص‌های محیطی پیشنهاد می‌شود.

جدول ۱۰: مدل برهم‌کنشی مؤلفه‌های مکان‌محور و چارچوب‌های نظری ترس از جرم برای شناسایی شاخص‌های اثرگذار در کنترل ترس در فضاهای شهری

شاخص‌ها	مؤلفه مکانی/محیطی	چارچوب‌های نظری ترس	
- عوامل جمعیت‌شناختی	ادراکی	مدل تنوع خرده‌فرهنگی	رویکرد بی‌سازمانی اجتماعی
- بی‌نظمی‌های فیزیکی	ساختاری	مدل بی‌نظمی	
- الگوی کاربری زمین و کیفیت و کمیت فعالیت‌ها	کارکردی		
- نوع مسکن			
- مناسبات و روابط اجتماعی	ادراکی	مدل نگرانی اجتماعی	
- دولت			
- ارزیابی ذهنی از کیفیت محیط زندگی			
- مناسبات و روابط اجتماعی	ادراکی	مدل نگرانی اجتماعی	رویکرد بی‌سازمانی اجتماعی
- تعلق خاطر			
- بی‌نظمی‌های فیزیکی	ساختاری	آسیب‌پذیری فیزیکی	
- عدم تعریف‌پذیری فضا			
- فرسودگی فیزیکی بافت			
- وندالیسم و خراب‌کاری			
- کیفیت و ساختار فضایی			
- الگوی کاربری زمین و کیفیت و کمیت فعالیت‌ها	کارکردی	آسیب‌پذیری اجتماعی	
- بی‌نظمی اجتماعی	ادراکی		
- مناسبات و روابط اجتماعی			
- عوامل جمعیت‌شناختی			
- عوامل روان‌شناختی			
- مناسبات و روابط اجتماعی	ادراکی	رسمی	نظریه کنترل اجتماعی
- دولت		غیررسمی	
- تعلق خاطر			
- هویت‌مداری			

براساس یافته‌های آماری و توصیفی پژوهش، تنوع خرده‌فرهنگی بدون حد و مرز می‌تواند اشتراکات و پیوند اجتماعی را دچار خدشه نماید. نگرانی اجتماعی مبنی بر زوال روابط اجتماعی و افول شبکه‌های پیوند محلی در رده‌های پایین‌تر اهمیت در فضاهای سکونتی قرار گرفته بود و لذا تأثیر آن بر میزان امنیت محله و کنترل ترس برای ساکنان چندان آشکار نبود. لیکن به نظر می‌رسد در صورت ادامه فرآیند کنونی حاکم بر شهرها و عدم توجه کافی به روابط خودتنظیمی همسایگی و نیز تعهدات شهروندی ساکنان در درازمدت بر پیوندهای اجتماعی اثر سوء نهاده و انسجام اجتماعی را متزلزل

خواهد نمود و از این‌رو زمینه‌سازی برای افزایش حس مشارکت و در نتیجه آن ایجاد حس قوی نیاز به حضور در شبکه‌های پیوند محلی و متعاقباً افزایش سطح اعتمادپذیری همسایگی پیشنهاد می‌شود. مدل بی‌نظمی چندان در فضاهای مورد بررسی اثرگذار نبوده و اغتشاش فیزیکی حاکم بر فضاهای شهری ایران، تشخیص سطح اثرگذاری این عامل را در دو بافت امن و ناامن که هر دو از بی‌نظمی فیزیکی رنج می‌برند، دشوار ساخته است. نتایج آسیب‌پذیری درباره‌ی جرم را می‌توان در سه بعد وجود خطر، پیش‌بینی پیامدهای آسیب‌پذیری و نیز فقدان کنترل ارائه نمود. وجود عوامل خطرزا یا احساس حضور آن‌ها در فضاها بر سطح ترس اثر مثبت می‌نهد و حضور در آن فضاها را به شدت متأثر می‌سازد. این امر در کنار عوامل روان‌شناختی و فردی نظیر جنسیت و نیز ساعات استفاده از فضاها در طول شبانه‌روز بیش‌تر خودنمایی می‌نماید و همان‌طور که یافته‌ها نشان دادند فقدان طراحی و برنامه‌ریزی مناسب در فضاهای شهری برای استفاده شبانه از آن‌ها در کنار جنسیت کاربران از وجود اثرات احتمالی آسیب‌پذیری بر شهروندان حکایت می‌کند. این موضوع در رابطه با کاربری‌های غیررسمی تجمعی نظیر پاتوق‌ها یا نقص نظارت بر برخی از کاربری‌ها نظیر اراضی ساخته‌نشده نیز اثبات شد. در مجموع، فرضیه آسیب‌پذیری یکی از عمده‌ترین و اصلی‌ترین نظریه‌های حاکم در فضاهای شهری ایران در راستای بررسی مقوله ترس به‌شمار می‌رود. مطالعه نظریه کنترل اجتماعی نیز نیاز به نظارت نامحسوس همسایگان و اثرات آن را تأیید نمود ولی در مقابل، عدم پذیرفته شدن کنترل رسمی صلب و شاخص از جانب پلیس و نیروی انتظامی را نمایان ساخت. با توجه به نوع روابط اجتماعی ایرانی و سابقه به‌کارگیری پیوندهای محله‌ای، چنین نتیجه‌ای دور از ذهن نمی‌باشد. هم‌چنین تعداد حضور افراد غریبه در نقاط ثقل محلی با توجه به کارکرد آن‌ها نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. به طوری که میزان حضور افراد غریبه در بافت‌های محلی نظیر مرکز محله و محورهای اصلی آن در محله‌های امن کمتر بوده و توزیع کاربری‌ها به نحوی انجام شده که بیش‌ترین تعداد غریبه‌ها را به سمت لبه‌های محله سوق داده است. هم‌چنین مقیاس کارکردی کاربری‌ها در محله‌های امن در رده محلی باقی می‌ماند. بر اساس این یافته‌ها می‌توان وزن مناسبی به هر یک از این چارچوب‌های نظری تخصیص داد و مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و سنجه‌های مکان‌محور هر یک را به کار بست تا به کنترل عوامل ترس‌زا در فضاهای شهری پرداخت.

پی‌نوشت

1. Dear
2. Wolch
3. Social Disorganization
4. Vulnerability Theory
5. Maxfield
6. Openness to Attack

References

- Ahmadi, H., Soroush, M. & Afrasiabi, H. (2009). Study of Fear of Crime in High Crime Areas in Shiraz, *Journal of Applied Sociology the University of Isfahan*, 34(2), 66-69.
- Alikhah, F. & Najibi R, M. (2006). Fear of Crime among Women at Public Spaces, *Journal of Social Welfare*, 10(34), 224-233.
- Carmona, M., Heath, T., Taner, O. & Tiesdell, S. (2003). *Public Places -Urban Spaces*, Taylor & Francis.
- Colquhoun, I. (2004). *Design out Crime: Creating Safe and Sustainable Communities*, Architectural Press.
- Farid Tehrani, S. (2011). *Fear in Public Space*, Armanshahr Publication, Tehran.
- Madanipour, A. (2000). *Design of Urban Space: An Inquiry into a Socio - spatial Process*, Urban Process and Planning Publication Co., Tehran.
- Mousavi, SY. (2008). Theoretical and Sociological Explanation of Urban Crimes, *Journal of Police Science Research*, 1, 10-40.
- Pain, R. (2000). Place, Social Relations and the Fear of Crime: A Review, *Progress in Human Geography*, 24(3), 367- 368.
- Pakzad, J. (2010). *An Intellectual History of Urbanism*, New Towns Development Publicating Co., Tehran.
- Rabani, R. & Hemmati, R. (2008). Sociological Explanation of Fear of Crime: A Case Study of Zanjani Citizens, *Journal of Iran Sociology*, 9, (3 &4), 59-69.
- Serajzadeh, H. & Gilani, A. (2009). Social Disorganization and Fear of Crime (A Comparative Study of District 3 and 12 of Tehran), *Journal of Social Welfare*, 10(34), 224-233.
- Tavasoli, Gh. (2004). Social Security in Neighborhoods, *Cultural Research Journal*, 8(9), 31.
- Tseng, C.H. (2006). *Safety Performance Analyzer for Constructed Environments (SPACE)*, Ph.D. Dissertation, The Ohio State University.
- Wirth, L. (1938). Urbanism as a Way of Life, *American Journal of Sociology*, 44, 1-8.